

نظری بر جایگاه سرمایه، تولید و مصرف در نظام اقتصادی اسلام

نویسنده: پوهندوی عبدالمجید صمیم

چکیده

بحث سرمایه، تولید و مصرف از جمله مباحث عمده در عرصهٔ مباحث اقتصادی است. نظام اقتصادی اسلام به حکم جامعیت و کمالی که دارد به این مسأله توجه خاصی مبذول داشته و مانند سایر جوانب زنده گی انسانها به این بخش نیز با دید واقعگرایانه و بر بنیاد ارزشهای مادی و معنوی که دارد نظر کرده است.

اسلام به سرمایه ارزش فراوانی قایل است، چون سرمایه موجب پیشرفت و گذران زنده گی انسانها و سعادت دنیوی آنها میشود؛ چنانکه تولید نیز در جای خود مهم است، چون موجب ایجاد و توسعهٔ سرمایه میگردد و بر مقدار کیفی و کمی آن می افزاید.

مصرف نیز در نظام اقتصادی اسلام جای خاصی دارد؛ زیرا، کسی نیست که منکر رابطه عمیق مصرف با برنامه های اقتصادی باشد. اسلام به حکم اینکه دینی واقع بین است برای مصرف نیز برنامه دارد که در رأس این برنامه عدم اسراف و دوری از بخل است.

کلمات کلیدی: سرمایه، تولید، مصرف، کار، اقتصاد.

مقدمه

نظام اقتصادی اسلام مبتنی بر عدالت اقتصادی است. این نظام عنصر عدالت را در همه زمینه های اقتصادی مد نظر دارد و تمام برنامه های خود را بر مبنای همین عنصر تهیه و تنظیم میکند.

از مهمترین معانی واژه عدالت در نظام اقتصادی اسلام اعتدال و میانه روی است، مفاهیمی که کاملاً با اصل مفهوم واژه گانی اقتصاد همخوانی و برابری دارد، اعتدال در همه چیز؛ در عرصه سرمایه داری، تولید و مصرف - تمام جوانب این دین حنیف در خط میانه و اعتدال قرار دارد.

اگرچه بحث سرمایه، تولید و مصرف در مباحث اقتصادی مساحت بزرگی را در اقتصاد به شکل عام و هم در محدوده اقتصاد اسلامی به شکل خاص به خود اختصاص داده است؛ اما این بدان معنی نیست که ما نتوانیم و نخواهیم لا اقل به گوشه هایی از این مساحت بزرگ اشاراتی داشته باشیم تا چراغی باشد فرا راه عزیزان اقتصاد دان ما و محصلان عزیزی که در این رشته تحصیل میکنند و سایر کسانی که میخواهند در باره این موضوعات اطلاعات حاصل کنند.

اهمیت موضوع

کس نمیتواند منکر اهمیت سرمایه، تولید و مصرف در عرصه اقتصاد باشد. تمام مکاتب اقتصادی جهان تلاش میکنند سرمایه داشته باشند و در عرصه تولید گامهای بزرگی بردارند و با استفاده از شیوه های گوناگون و متعدد تلاش کنند سطح مصرف مردم را بالا ببرند تا به تناسب آن تقاضا و عرضه بالا برود و تولیدات آنان زیاد شود و به فروش برسد.

این رویکرد نشان می‌دهد که سرمایه، تولید و مصرف که این دو اخیر یکی به عرضه و دیگری به تقاضا ارتباط دارد، اساس و در واقع بنیاد فعالیت‌های اقتصادی است و به ذات خود نشان دهنده اهمیت آنها در این عرصه است.

نظر به حاکمیت اسلام در فکر و اندیشه مردم و نظر به باور عمیقی که به ارزش‌های این دین مقدس نزد مردم ما وجود دارد، جفا خواهد بود؛ اگر در عرصه اقتصاد اسلامی کارهای تحقیقی و پژوهشی انجام نشود، روی این اساس این مقال تلاش دارد گوشه‌ی بی از این خلا را پر کند.

نظر اسلام در باره سرمایه و ثروت

در اصطلاح اقتصاد، هر چیزی که برای انسان ارزش پولی داشته و برای او مطلوب باشد ثروت و سرمایه نامیده می‌شود؛ لذا مجموعه کالاهایی که در یک زمان مشخص متعلق به یک فرد است، ثروت و سرمایه آن فرد تلقی می‌شود.

سرمایه و مال در هر مجتمعی محور فعالیت‌های اقتصادی است؛ روی این اساس دین اسلام که آخرین دین سماوی است در راستای تنظیم امور سرمایه و مال توجه خاصی مبذول داشته است (۱۰۲/۶).

سرمایه و ثروت از نظر اسلام دارای اهمیت بسیار عظیم و گسترده‌ی می‌باشد و زمانی که ما وارد منابع دینی شویم و در آیات قرآنی و احادیث نبوی دقت کنیم، در می‌یابیم که مال اساس و ته پایه سرمایه به شمار می‌رود و نظر به اهمیتی که این عنصر در سرمایه دارد در قرآن کریم بیش از ۸۲ بار واژه مال در سیاقها و اشتقاقهای مختلف به کار رفته و به اهمیت آن در زنده گی و نقش آن در آخرت اشاره شده است.

این به علاوه مواردی است که در آن به شکل غیر مستقیم از سرمایه و مال یاد آوری صورت گرفته است و از آن با الفاظی چون: «خیر»، «زینت»، «فضل»، «رزق»، «متاع زنده گانی دنیا»، «نصیب دنیایی»، «روزی نیکو» و «طبیات» و... تعبیر شده و انسانها تشویق شده اند تا سرمایه را از راه های مشروع به دست آورند. دقت در همه این واژه ها می‌رساند که

تمامی آنها واژه هاییست توأم با مدح و یاد آوری جزئی از خوبیهای مال؛ به عنوان مثال زمانی که میخوانیم:

(قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ) (البقره/۱)

^(۲۱۵) (بگو آنچه را که از خیر انفاق میکنید؛ پس برای والدین، نزدیکان، یتیمها، مساکین و در راه مانده است). متوجه میشویم که از مال و سرمایه با واژه خیر تعبیر صورت گرفته که این امر خود بیانگر خوبی سرمایه و مال است و یا زمانی که میخوانیم:

(الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) {۱: الکهف/۴۶}. (مال و فرزندان زینت زنده گانی دنیاست).

متوجه میشویم که مال زینت و آرایش زنده گانی دنیاست و کسی در دنیا نخواهد بود که مخالف زینت و آرایش دنیا و نقش آن در عرصه زیبایی شناختی و زیبایی موجودات باشد و یا زمانی که در احادیث پیامبر اکرم (ص) میخوانیم که:

(مال و ثروت پاک و حلال برای انسان نیکو کار و صالح بسیار پسندیده است). (۴: ۱۹۷/۴)

متوجه میشویم که مال و سرمایه (ثروت) با واژه «نیکو» ارزشمند قلمداد شده است.

اینها همه مبین این واقعیت است که اسلام به مال و ثروت اهمیت و ارزش خاصی قایل است؛ ولی این به این معنی نیست که انسانها مال و سرمایه را معبود خویش قرار دهند؛ زیرا، قرآن کریم در کنار ستایشهایی که از مال به عمل آورده آن را مایه ابتلاء و آزمایش «فتنه» نیز دانسته است. در آیه ۲۸ سوره انفال میخوانیم:

(وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ) (۱: الأنفال/۲۸) (و بدانید که

همانا اموال و اولاد شما فتنه (مایه ابتلاء و آزمایش) است و در نزد خداست پاداش بزرگ).

روی این اساس، انسانی که سرمایه و ثروت را به دست میآورد باید متوجه این قضیه باشد که خداوند متعال (ج) با دادن سرمایه و ثروت در واقع او را مورد آزمایش خویش قرار میدهد. داکتر یوسف قرضاوی در کتاب دور نمای جامعه اسلامی مینویسد:

«اسلام تنها خواستار آنست که مال و ثروت به صورت بت و معبود برای انسان جلوه

نکند و مانع بنده گی خداوند (ج) نشود و انسانها آن چنان شیفته و سرگشته مال و ثروت

نگردند که به جای قرار دادن آن به عنوان ابزار و وسیله آن را هدف و مقصود نهایی خویش به شمار آورند تا کم کم زمینه فراموش نمودن و سرکشی در مقابل خداوند (ج) را فراهم نمایند» (۳۱۱/۸).

روی این اساس لازم است تا انسانها در راه کسب سرمایه و مال حلال تلاش کنند و از آن به عنوان زینت زنده گانی دنیا و خیر استفاده کنند؛ ولی متوجه زنگهای خطری که در بیخ گوش انسان به وسیله آیات و احادیث به صدا در میآید، نیز باشند.

اگر ما در پدیده های اطراف خویش دقت کنیم متوجه موارد زیاد و هول انگیزی از حالاتی میشویم که در آن انسانها با به دست آوردن مال دچار غرور و سرکشی شده اند، تا جایی که هم خدا (ج) را فراموش کرده اند و هم خلق خدا را. چنین مواردی انسان را به یاد این فرموده خداوند (ج) می اندازد که:

(كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ) (۱: العلق ۶-۷). (حقا که انسان سرکشی میکند همین که خود را بی نیاز پندارد).

اینها مواردی اند که میتوان از خلال آن بر اهمیت مال و سرمایه در زنده گانی انسانها از زاویه دید اسلام نگریست؛ ولی اینکه چه راههایی برای به دست آوردن سرمایه وجود دارد و بهترین راه های مصرف سرمایه چیست؟

تولید

در اصطلاح اقتصادی تولید به آنچه گفته میشود که آن را انسان از طرق مختلف به دست میآورد. فرهنگ فارسی عمید در معنای کلمه تولید مینگارد:

«تولید؛ زایاندن، چیزی را از چیزی دیگر به وجود آوردن، حاصل کردن چیزی از طریق زراعت یا صنعت.» (۷: ۶۴۲/۱)

از نظر اسلام تولید از جایگاه بلند و ویژه یی برخوردار است. قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) همواره انسانها را تشویق میکنند تا از طریق کار و کوشش دست به تولید بزنند. در سوره ملک میخوانیم:

(هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ) (۱: الملک/۱۵)

(اوست خدایی که زمین را برای شما رام نمود؛ پس در عرصه های آن بگردید و از روزی آن بخورید).

بر بنیاد این آیه، زمین برای انسان رام شده تا بگردد، زمینهای قابل کشت را شناسایی نماید و در آنها بکارد و معادن گوناگون آن را کشف نماید و با استفاده از مواد آن منابع، دست به تولید بزند و از روزی که خدا (ج) به آنها داده بخورد و در راه سعادت خویش بهره برداری نماید.

پیامبر اکرم (ص) نیز فرمودند: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَكَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ» (2: 3/74)

(هرگز هیچ کس طعامی بهتر از اینکه از دسترنج خود بخورد، نخورده است و همانا نبی خدا داوود (ع) از عمل دست خود میخورد).

عوامل تولید از نظر اقتصاد و اسلام

بر اساس نظر اندیشمندان اقتصاد، عوامل تولید سه چیز است: اول، زمین؛ دوم، نیروی کار؛ سوم، سرمایه.

الف) زمین

از نظر اقتصاد یکی از عوامل تولید زمین است و معمولاً مرکب از اموال مادی اقتصادی است که بدون کمک انسان و توسط طبیعت عرضه میگردد؛ پس مراد از زمین عوامل طبیعی تولید است که آفریده مستقیم خداوند (ج) میباشد و در آفرینش او عمل انسانی هیچ دخالت نداشته است. (۵: ۴۷)

زمین نقش بسیار بزرگی در شکوفایی اقتصاد دارد و به هر اندازه که کشوری زمین بیشتری داشته باشد به همان اندازه امکانات تولید آن از لحاظ زراعت، صنعت و دارا بودن معادن، بیشتر میشود و نظر به همین اهمیت زمین است که اسلام برای این مخلوق با عظمت خدا (ج) جایگاه عظیم و بزرگی را قایل شده است. قبلاً در آیه ۱۵ سوره ملک اشاره داشتیم که

خداوند (ج) در باره زمین فرمود:

(هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ) (۱: الملک/۱۵) (اوست

که برای شما زمین را رام گردانید؛ پس در عرصه های آن بگردید و از روزی خدا بخورید). این آیه در واقع به تأیید گفته اندیشمندان اقتصاد میپردازد؛ زیرا، از این آیه چنین مفهوم میشود که روزی خدا (ج) که انسان شدیداً به آن نیاز دارد در گوشه و کنار و عرصه های زمین پراکنده شده و این انسان است که باید در اطرافش گردش کند و روزی خدا (ج) را از آن به دست آورد؛ زیرا، یکی از عوامل تولید روزی موجود در زمین است.

ب) نیروی کار

از لحاظ اقتصادی تمام فعالیتهای و کوششهای انسانها در جهت تولید کالاها و ارائه خدمات اقتصادی اعم از فکری و یا معنوی به عنوان نیروی کار انسانی به شمار میرود که یکی از مهمترین عوامل آن تولید است. البته از لحاظ تولید انسانها در دو گروه دسته بندی میشوند:

اول- انسان مولد: و آن انسانی است که به نحوی دست به تولید میزند، خواه تولیدات او فکری باشد یا علمی و یا صنعتی، تجاری، زراعی و غیره.

دوم- انسان غیر مولد: و آن انسانی است که هیچ خیری از او در زمینه تولید نه به خودش و نه به دیگران میرسد. چنین فرد صرفاً انسانی است مصرفی که چشم به تولیدات سایر انسانها میدوزد و بار گران بر دوش جامعه به شمار میرود. اسلام از چنین حالتی در صورتی که در آن عذری نباشد به شدت بیزار است و بیکاری را بزرگترین عامل انحراف و اشاعه جرم و جنایت میداند. به هر حال، هر اندازه که نیروی کار انسانها در یک کشور بیشتر و بالا تر باشد همان اندازه سطح اقتصاد آن کشور بالا میرود و به هر اندازه که نیروی کاری یک کشور از تحصیل و تخصص بیشتری برخوردار باشد به همان اندازه، هم سطح کمی تولیدات آن کشور بالاست و هم سطح کیفی آن؛ روی این اساس اسلام به نیروی کار انسانی اهمیت ویژه ای قایل است؛ ازینرو، پیوسته بر کار و تلاش انسانی تأکید مینماید.

واژه کار در قرآن، بیش از ۳۵۹ بار ذکر شده که نشان دهنده اهمیت کار در اسلام است.

قرآن ضمن تشویق به کار و تلاش آن را به دو دسته تقسیم نموده است:

اول - کار خوب: و آن کاری است که نفعی برای انسان چه در دنیا و یا در آخرت داشته باشد و ضرری برای دیگران نداشته باشد. اسلام از این نوع کار با واژه «عمل صالح یا کار خوب» تعبیر میکند.

دوم - کار بد: آن کاری است که برای انسان چه در دنیا و یا آخرت و یا برای دیگران ضرری داشته باشد. اسلام از این کار با واژه «عمل سوء یا کار بد» تعبیر نموده است. قرآن از گونه های کار یاد آوری نموده است که اکثر آنها در زمینه تولید نقش برآزنده یی دارند. این گونه ها در سه دسته بخشبندی میشوند:

دسته اول: کار دینی.

دسته دوم: کار اجتماعی.

دسته سوم: کار بر روی طبیعت و هستی.

- **کار علمی و فرهنگی:** خدای تعالی کار علمی را سبب علو درجات، ترقی و انکشاف و رشد و تعالی میداند: *يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ*^(۱) (المجادله/۱۱). خداوند چندین درجه بلند میکند مرتبه آنانی از شما را که ایمان آورده اند و آنانی که به آنها علم داده شده است).

- **کار زراعی:** کار زراعی دسترنج انسان و مثمر ثمر است: *(لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ)*^(۱: یس/۳۵)

(تا اینکه از میوه های آن و از آنچه دستهای شان کار نموده بخورند؛ پس آیا شکر نمیکنند).

- **کار تخصصی:** برخی از کارها از جمله کشتیرانی تخصصی است؛ چون هر کس نمیتواند آن را انجام دهد مگر اینکه تخصصش را فرا گیرد: *(أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ)*^(۱: الکهف/۷۹)؛ (ولی کشتی از آن مساکینی بود که در دریا کار میکردند).

- **کار صنعتی:** یکن از پیامبران امر میشود تا کار صنعتی کند، آنهم با آهن؛ ولی با دقت فراوان و به گونه شایسته؛ زیرا، خدای تعالی میبند که کار صنعتی ایجاب دقت را مینماید: (أَنْ اَعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاَعْمَلُوا صَلَاحًا اِنِّیْ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِیْرٌ) (سبأ/۱۱). (به داوود گفتیم) که زره های کامل و فراخ بساز و بافته ها (حلقه های آن را) به اندازه و متناسب کن و کار شایسته یی انجام دهید که من آنچه را انجام میدهید، میبینم).

- **کار وظیفه یی:** کار اداری و وظیفه یی هم مستوجب مزد و معاش است: (وَالْعَامِلِیْنَ عَلَیْهَا). (۱: التوبه/۶۰)

(و زکات برای کسانی است که) بر جمع آوری زکات کار میکنند. (وظیفه دار جمع آوری زکات اند).

- **کار اصلاحی و تربیتی:** دعوت و اصلاح منتج به عمل صالح و کار خوب میشود؛ پس سخن اصلاحگران و دعوتگران به سوی خدا (ج) نیکوتر است: (وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ اِنِّیْ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ). (۱: فصلت/۳۳)

(و چه کسی نیکو قول تر است از کسی که به سوی خدا دعوت کند و عمل شایسته انجام دهد و بگوید همانا من از جمله مسلمانانم).

کارهای دیگری نیز است که نظر به محدودیت این نوشته ناگزیر باید از ذکر آن خودداری کرد و کسانی که در این زمینه، خواهان معلومات بیشتریند، میتوانند در اقیانوس بی کران قرآنی غواصی نمایند و از صدفهای آن بگریزند. در خصوص اهمیت و جایگاه کار در احادیث پیامبر گرامی اسلام اشاره هایی شده که انسان تشویق و ترغیب به کار و تلاش شده است:

- **کار و تلاش به منظور کسب روزی حلال:** روزی حلال از دسترنج انسان تولید میشود و برایش گواراست: «هیچ خوراکی گوارا تر از خوراکی نیست که از دسترنج خود انسان تهیه شده باشد.» (۲: ۳/۷۴)

- **کار به منظور رفع نیازمندی عیال عبادت است:** کار در جهت تأمین نفقه

خانواده موجب برکت و منتج به رفع نیازها و عبادت است:

«هیچ مردی کسبی بهتر از دسترنج خود ندارد و آنچه مرد بر خویشتن یا اهل و اولاد و خادم خود انفاق میکند صدقه است.» (۳/۲۷۱:۲)

- **کار کشاورزی:** کشاورزی که بذر میکارد در واقع صدقه میدهد؛ زیرا، از ثمر بذر او انسانها، چهارپایان و پرنده گان تغذیه مینمایند:

«هر مسلمانی که بذری را در زمین بپاشد و نهالی را در آن بکارد و پرنده و انسان و چهارپایان از آن بخورند، برای او صدقه و احسان خواهد بود.» (۳/۱۳۵:۲)

- **کار تجارتي:** در تجارت باید صداقت و راستی و درستگاری رعایت شود که اگر چنین شد انسان با پیامبران و صدیقان و شهدا محشور میشود؛ زیرا، این انسانهای سترگ با خدا (ج) تجارت کردند و ربح فراوان به دست آوردند:

«تاجر راستگوی درستکار هم دوش با پیامبران و صادقان و شهداست.» (۳/۵۱۵:۳)

- **کار دامداری:** دامداری کاری نیکوست؛ زیرا، تولیدات گوشتی انسان را تأمین میکند و هم موجب به دست آوردن مزد و از جمله سنتهای پیامبران الهی است: «خداوند هیچ پیامبری را نفرستاده که چوپانی نکرده باشد و من در مقابل مزد اندک برای مردم مکه چوپانی مینمودم.» (۳/۱۱۵:۲)

- **کار صنعتی:** تأمین مخارج زنده گی از طریق صنعت، روش تولیدی پیامبران الهی است:

«داوود پیامبر تنها از دسترنج خود مخارج زنده گی اش را تأمین مینمود.» (۳/۷۴:۲)

- **کاری که استفاده از طبیعت و هستی را در پی داشته باشد:** کار خوب است اگرچه هیز مکشی باشد؛ زیرا، وسیله عزت و احترام است و انسان را از تکدی باز میدارد: «هر کس طنابش را بر دوش بیندازد و به صحرا برود و پشتۀ هیزمی را به همراه بیاورد بهتر از آنست که از مردم چیزی بخواهد و آنها به او بدهند یا ندهند.» (۳/۷۵:۲)

آنگونه که در این آیات و احادیث ملاحظه می‌گردد کار انسانی در روی زمین، به عنوان یکی از عوامل تولید دارای اهمیت به خصوصی است؛ ولی با کمال تأسف که مسلمانان امروز متوجه اهمیت این موضوعات نیستند و با ضیاع وقت و نپرداختن به کار و تلاش و فعالیت، یکی از عوامل عمده عقب مانگی خویش را فراهم نموده اند.

آیات و احادیثی که ذکر گردید، به صورت مستقیم اهمیت کار و تلاش را نشان می‌دهد و به سا موارد بی شمار دیگری نیز است که از خلال آن میتوان بر اهمیت کار و تلاش بیشتر واقف شد؛ ولی رعایت اختصار ایجاب میکند تا از ذکر آنها خود داری شود.

در کنار آنچه در تشویق به کار و تأیید آن یاد آور شدیم، مجموعه دیگری از احادیث و روایات در مذمت و بیان زشتی بی کاری وارد شده است. در آنها آن دسته از مسلمانانی که با وجود توانمندی دست به گدایی می‌زنند به شدت مورد مذمت قرار گرفته اند.

پیامبر اسلام (ص) در این زمینه می‌فرماید: «چنانچه کسی مدام از مردم درخواست کمک نماید، روز قیامت وقتی که بر انگیخته میشود گوشتی بر صورت او باقی نمانده است.»^۳ (۳/۴۰)

و در جایی دیگر فرمودند:

«دست بالا (دهنده) از دست پایین (گیرنده) بهتر است.»^(۲:۲/۱۳۹) **از قدیم بزرگان**

گفته اند: خداوند (ج) از مردم بی کار بیزار است.

اینها نیز همه به نوبه خود به اهمیت کار و تلاش و جایگاه بلند آن اشاره دارند؛ پس نیروی کار در نظام اقتصادی اسلام متنوع و گوناگون است و هر کشور و قوم و ملتی که میخواهند از کار و تلاش خود بهره برند باید متوجه این تنوع گونه‌های کار باشند و در تمام عرصه‌ها فعالیت کنند و به هر اندازه که این فعالیتها گسترده تر باشد به همان اندازه، سطح تولید هم بالا میرود و کیفیت و کمیت لازم تولیدات تأمین میگردد.

ج) سرمایه

سرمایه به عنوان عاملی که توانایی افزایش کار آیی و بهره وری را به عهده دارد، محصول تلاش و کار انسان بر مواد طبیعی است. سرمایه عبارت از مجموعه کالاهای تولید شده است که بلافاصله به مصرف نمیرسد؛ بلکه برای تولیدات بعدی و ایجاد ارزش افزوده شده آن در آینده مورد استفاده قرار میگیرد؛ مانند ساختمانها و ماشین آلات مختلف که کالاهای تولیدی و سرمایه یی نامیده میشوند. خداوند متعال (ج) به محض لطف و احسان خود سرمایه های فراوانی را در روی زمین به منظور استفاده انسان پراکنده ساخته، فقط کافی است انسانها آستین بالا زنند و با کار و کوشش از این سرمایه ها بهره برداری کنند که اگر چنین کنند یقیناً میتوانند گامهای بزرگی در راستای شکوفایی اقتصاد بردارند.

مصرف

آنچه خداوند (ج) در روی زمین برای استفاده انسانها پراکنده ساخته نعمتهای با ارزش خداوندی میباشد. ارزش این نعمتها را زمانی در می یابیم که در میان ما نباشند؛ به عنوان مثال تا زمانی که از نعمت برق برخورداریم قدر این نعمت را نمیدانیم؛ ولی همین که در شبی تاریک برق برود آنگاه است که به اهمیت این نعمت خدا دادی واقف میشویم. به هر حال در قبال این نعمتها ما مسئولیت بسیار بزرگی داریم. باید از آنها محافظت به عمل آوریم و نگذاریم با اندک بهانه یی از بین بروند؛ همچنان که خود ما باید در راستای مصرف درست آنها بکوشیم. از نظر اسلام زمانی ما از این نعمتها استفاده درست میکنیم که در آن شرایط زیر مراعات شود:

۱- در مصرف این نعمتها اسراف صورت نگیرد.

خداوند متعال (ج) میفرماید: (وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) (۱: الأعراف/۳۱). (اسراف نکنید که خداوند اسراف کاران را دوست ندارد). منظور از اسراف اینست که ما بیش از حد ضرورت خود آن نعمت را به کار نیندازیم. به

گونه نمونه برای خوراک یک نفر دوصد گرام برنج و صد گرام گوشت کافی است زمانی که ما این مقدار را تا حد نیم کیلو بالا ببریم و آنچه باقی میماند را دور بریزیم در چنین حالتی ما اسراف کرده ایم و در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) وارد شده که ایشان فرمودند: «بخورید و بیاشامید و لباس مناسب بپوشید و به مستمندان کمک کنید؛ ولی خود را به اسراف آلوده ننمایید.» (۲: ۱۸۲/۷)

بناءً کسانی که با تهیه انواع و اقسام غذاها و لباسهای گوناگون در آذین و دیزان خانه ها با انواع وسایل و ابزار گوناگون و تابلوها و قالیچه ها زیاده روی میکنند؛ در واقع دست به اسراف میزنند که از نظر شریعت مقدس اسلام کار نادرست و ناپسند است و استفاده نامعقول از نعمتهای خداوند (ج) به شمار میرود.

۲- از نعمتها در راه رفاه خود، خانواده، نزدیکان، خویشاوندان، همسایه گان و سایر افراد مجتمع استفاده کند.

۳- سرمایه ها را در راه های مشروع به کار بندد؛ منظور از راه های مشروع همان راه هایی است که موجب رضای خدا (ج) گردد؛ مانند کمک به نیازمندان و فقرا و طبقات محروم جامعه انسانی و رشد و شکوفای اجتماعی از طریق بنای مساجد، مدارس، راه ها، پلها و غیره.

بخل:

اینکه میگوییم در مصرف سرمایه های خداوندی (ج) نباید اسراف صورت گیرد به معنای این نیست که بخل ورزیم؛ زیرا، به همان اندازه که اسراف در اسلام مذمت شده بیشتر از آن بخل مذمت شده است.

خداوند متعال (ج) در سوره فرقان هنگام یاد از اسراف قضیه بخل را نیز مطرح نموده و از هردو منع فرموده است. در آن سوره میخوانیم: (وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا) (۱: الفرقان ۶۷)

(بنده های مقرب خدا) کسانی هستند که وقتی خرج مینمایند اسراف نمیکنند و بخل نیز نمیورزند؛ بلکه راه وسطی را بین هردو در پیش میگیرند).

و در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که ایشان از بخل و بزدلی و برخی دیگر از

امور ناپسند به خداوند (ج) پناه بردند.

نتیجه

نتیجه‌یی که از این بحث حاصل می‌شود اینست که هم سرمایه، هم تولید و هم مصرف در نظام اقتصادی اسلام از جایگاه ویژه و بلندی برخوردار است و هر کس ادعای اسلامیت می‌کند باید متوجه این سه عنصر در زنده گی بشر باشد.

دیگر اینکه برخیها گمان می‌کنند اسلام دینی است که تنها به آخرت کار دارد و امور دنیای مردم را از نظر دور داشته است؛ در حالی که منابع دین مقدس اسلام خلاف این پندار و توهم را به اثبات می‌رساند. ما در جریان این مقال دیدیم که اینها موضوعاتی است که مستقیماً قرآن کریم و سنت رسول گرامی اسلام در باره آنها ابراز نظر فرموده اند و توجیهات همه جانبه‌یی را ارائه کرده است.

مراجع

۱. القرآن الکریم.
۲. البخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم. (۱۴۰۷هـ). **الجامع الصحیح**. القاهرة. دار الشعب.
۳. ترمذی، ابو عیسی، محمد بن عیسی. (ب.ت). **سنن الترمذی**. تحقیق احمد محمد شاکر و دیگران. بیروت. دار احیاء التراث الاسلامی.
۴. الشیبانی، ابو عبدالله، احمد بن حنبل. (ب.ت). **مسند الإمام احمد**. القاهرة. مؤسسه قرطبه.
۵. عثمانی، محمد تقی. (۱۳۸۸هـ). **اقتصاد اسلامی**. ترجمه رعایت الله روانید. زاهدان. انتشارات صدیقی.
۶. العربی، محمد عبدالله. (۱۹۷۰م). **النظم الإسلامية**. القاهرة. مطبعة کوستاتسوماس.
۷. عمید، حسن. (۱۳۷۱هـ). **فرهنگ فارسی**. تهران. مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۸. قرضاوی، یوسف. (ب.ت). **دورنمای جامعه اسلامی**. ترجمه عبدالعزیز سلیمی. تهران. نشر احسان.



